



ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

چهارشنبه ۲۴ شهریور ۱۳۷۸ - ۱۵ سپتامبر ۱۹۹۹ - دوره سوم - شماره ۲۱۶

KAR. No. 216 Wednesday 15. Sep 1999

مقالات و اعلامیه های برگزیده از کار ۲۱۶ - چهارشنبه ۲۴ شهریور ۱۳۷۸

سرمقاله

این تعرض رامی توان درهم شکست!

یادداشت

آغاز سال جدید تحصیلی

نیروی بزرگ آزادی گرد می آید!

دادستان انقلاب اسلامی تهران فاش ساخت:

بیدادگاه های رژیم چهار دانشجو را به مرگ محکوم کردند

توقیف نشاط آغاز حمله نهایی برای تسخیر مجلس ششم است

چشمها برای درهم شکستن توطئه تازه دشمنان آزادی به دانشگاهها است

مار آستین اصلاح طلبان حکومتی

انتخابات مجلس شورای اسلامی:

سلامتی: محافظه کاران پرونده سازی را آغاز کرده اند

اجلاس فوق العاده مجلس خبرگان با صدور

بیانیه ای در محکومیت مطبوعات پایان یافت

نامه رئیس جمهور آمریکا برای رهبران ایران

وزارت اطلاعات و دادستانی انقلاب:

شورای منتخب دانشجویان متحصن غیرقانونی است

اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

تهاجم به مطبوعات مستقل روزنامه نشاط توقیف شد!

اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

احکام اعدام را لغو کنید!

با کار تماس بگیرید

سرمقاله

این تعرض را می‌توان در هم شکست!

توقیف روزنامه نشاط نقشه جناح مستبد حکومت برای تسخیر غیرقانونی و زورمدارانه مجلس ششم را وارد مرحله نهایی کرد. هدف مقدم این نقشه، تعطیل نشریات اصلاح‌طلب در آستانه انتخابات مجلس است. از حوادث نگران‌کننده‌ای که این روزها در ایران رخ می‌دهد، چنین پیداست که دشمنان آزادی، در صدد حمله تعیین‌کننده خود به این منظور هستند و برای نخستین بار تقریباً همه نیروی فعال و ذخیره خود را به صحنه آورده و روحانیت مرتجع را نیز به میدان فراخوانده‌اند. اجلاس فوق‌العاده مجلس خبرگان که یکی از وظایف خود را حملات بی‌سابقه به مطبوعات قرار داد، از جمله به همین منظور برگزار شد. تاکنون کمتر سابقه داشته است یک نهاد حکومتی در بیانیه‌ای رسمی چنین مطبوعات را مورد حمله و تهدید قرار دهد. همزمان با بیانیه خبرگان، ده‌ها روحانی بلندپایه با صدور بیانیه‌هایی تند و تیز مطبوعات را مورد حمله قرار داده و از به خطر افتادن ((کیان اسلام)) توسط روزنامه‌ها خبر می‌دهند. وزیر ارشاد بعد از چندین ماه، دوباره زیر فشارهای بسیار سنگینی قرار گرفته است و برکناری او، به صراحت از سوی روزنامه‌ها و محافل وابسته به ارتجاع خواسته می‌شود. نظر بسیاری از آگاهان امور بر آن است که توقیف نشریات در سطح ((نشاط)) متوقف نخواهد ماند و در روزها و ماه‌های آتی روزنامه‌های دیگری نیز بسته خواهند شد. کیهان از قول ((منابع آگاه)) خبر داده است مرتجعین در صددند روزنامه‌های اصلاح‌طلب را با آنچه که حکومت ((آشوب))‌های تیرماه گذشته تهران و تبریز می‌خواند مرتبط سازند و آن‌ها را به عنوان ((بخش رسانه‌ای)) این ((آشوب‌ها)) مورد تعقیب و پیگرد قرار دهند.

فرمان یورش تازه به مطبوعات، این بار نیز از سوی سیدعلی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی صادر شد. در حوادث این روزها، مردم ایران یک بار دیگر به روشنی نقش ارتجاعی و سرکوبگرانه ولی‌فقیه را به چشم دیدند. خامنه‌ای با برافراشتن پرچم تهاجم تازه، به همگان اثبات کرد سرمنشا و سرچشمه همه اقدامات ضدآزادیخواهانه و سرکوبگرانه در ایران است. این حوادث و پیشتازی آقای خامنه‌ای در موج جدید سرکوب مطبوعات و آزادی در ایران، هشدار بسیار جدی به کسانی است که در این خیال و توهم به سر می‌برند که می‌توان ولی‌فقیه را نسبت به جریان اصلاحات در ایران متمایل ساخت و یا دست کم از دشمنی او با اصلاحات کاست. بعد از سرکوب تظاهرات دانشجویان، گروهی از سران اصلاح‌طلب حکومت که رادیکالیسم جنبش دانشجویی بیمناکشان ساخته بود، راه نجات خود و اصلاحاتشان را در نزدیکی بیشتر به آقای خامنه‌ای و توافقات پشت‌پرده با او یافتند. امروز بسیار از جلسه ((تاریخی)) سران رژیم در بحبویه تظاهرات دانشجویان سخن گفته می‌شود، همان جلسه‌ای که آقای خامنه‌ای را یک سره دگرگون کرد و به او جرات و شهامت داد تا فرمان سرکوب دانشجویان را صادر کند، اما از گفتگوهای این جلسه و توافقات صورت گرفته در آن سخنی با مردم گفته نشده است. هاشمی رفسنجانی در یک سخنرانی اعلام کرد: مردم لازم نیست بدانند در آن جلسه در بین سران رژیم چه گذشته است. اما اخباری که از محافل پیرامونی حکومت درز می‌کرد حاکی از این بود که آقای خاتمی در برابر همراهی با سرکوب دانشجویان، موفق شده است خامنه‌ای را وادار کند از حمایت جناح افراطی مرتجعین یعنی هیات مؤتلفه دست بردارد و نفوذ آنان را محدود کند. تغییرات در قوه قضاییه و تعویض سرپرست بنیاد مستضعفان نشانه‌های این توافق اعلام می‌شد. کسی به درستی اطلاع ندارد که در بین سران رژیم چه گذشته است و آیا چنین بده بستان‌هایی صورت گرفته است یا نه، اما وقتی به صحنه حوادث در ایران نگاه می‌کنیم، نتیجه می‌گیریم اگر هم چنین توافقاتی صورت گرفته باشد، آن که به آن پایبند نمانده است، ولی فقیه است. در این دو ماه، نه تنها ((غیرخودی‌ها)) بیرحمانه سرکوب شده‌اند، بلکه سلام را ۵ سال تعطیل کردند، نشاط را بستند، نظارت استصوابی را از تصویب مجلس گذراندند. اصلاح‌طلبان در این مدت چه به دست آورده‌اند؟ امروز در عرصه سیاسی ایران هیچ نشانه‌ای از مهار گروه‌های افراطی و باندهای سیاه ترور به چشم نمی‌خورد. پرونده قتل‌های زنجیره‌ای به فراموشی سپرده شد، عوامل اصلی حمله به کوی دانشگاه همچنان در مناصب خود باقی مانده و آشکارا به تهدید مردم مشغولند، روزنامه‌ها یکی پس از دیگری تعطیل می‌شوند. آن چه که می‌بینیم، تشدید فشارها در همه جهات و پیشروی گام به گام دشمنان آزادی است. حضور هیات مؤتلفه در عرصه مقدم سیاست ایران همچنان آشکار است. قاضی جوانی که در وابستگی او به این جمعیت ارتجاعی تردیدی نیست، امروز میدان‌دار سرکوب در ایران شده است و هر روزنامه‌ای را که می‌خواهد بی‌اعتنا به قوانین و مقررات می‌بندد و تمام تلاش‌های اصلاح‌طلبان برای آن که رئیس جدید قوه قضاییه را به مقابله با این خودسری‌ها بکشانند، بدون نتیجه مانده است. این حوادث باید کسانی را که خیال می‌کردند و خیال می‌کنند با پشت کردن به رادیکالیسم جنبش‌های مردمی و نزدیک شدن به ((جناح معقول)) مرتجعین می‌توان راهی برای نجات اصلاحات یافت، هر چه زودتر به خود آورد. محافظه‌کاران و در راس آنها شخص آقای خامنه‌ای دشمنی پایان‌ناپذیر خود با هر اصلاحاتی در ایران را بارها اثبات کرده‌اند. نه نجات اصلاحات و نه حتی نجات ((نظام اصلاح شده)) با آنان ممکن نخواهد بود.

بیرون کشاندن جنبش اصلاح‌طلبی از بن‌بست موجود و تحرک تازه آن، در گرو اقداماتی است که هر چه به تاخیر افتد، امکانات برای آنان کمتر می‌شود. ما بار دیگر اصلاح‌طلبان حکومت را فرا می‌خوانیم که به تجربه دردناک از ۲۳ تیر تا به امروز به طور جدی‌تری بنگرند. تلاش‌هایی که به منظور شکاف در جناح راست و خنثی کردن نهادهای رسمی جمهوری اسلامی از سوی آقای خاتمی و اصلاح‌طلبان صورت می‌گیرد، مورد بحث و مخالفت ما نیست. سخن بر سر این است که نباید و نمی‌توان استراتژی پیش‌برد اصلاحات در ایران را پیرامون توافق با محافظه‌کاران و حتی ((میان‌رو))‌هایی نظیر هاشمی رفسنجانی که دشمنی خود با هر تحول دموکراتیک در ایران را اثبات کرده‌اند قرار داد. از این روست که باید نسبت به نقش فعالی که در ماه‌های اخیر هاشمی رفسنجانی یافته است و می‌کوشد (و این کوشش مورد پشتیبانی محافظه‌کاران است) محور ائتلاف تازه‌ای شود، ابراز نگرانی کرد. ایفای چنین نقشی از سوی او،

که الزاما با کاستن از موقعیت آقای خاتمی نیز همراه خواهد، رهبری جریان اصلاح‌طلبی حکومت را بیش از پیش به راست سوق می‌دهد و آماده توافق با محافظه‌کاران و آقای خامنه‌ای به قیمت از دست رفتن همه دستاوردهای جنبش دوم خرداد خواهد ساخت. اصلاح‌طلبی در ایران تنها زمانی چشم‌انداز پیروزی و موفقیت دارد که به نیروی اصلی خواهان اصلاحات و دموکراسی در ایران، یعنی توده‌های مردم و به ویژه فعالترین، آماده‌ترین و مصمم‌ترین بخش‌های آن یعنی دانشجویان و روشنفکران تکیه کند. محافظه‌کاران با توجه به تزلزلی که طرفداران دولت در جریان تظاهرات شش روزه دانشجویان نشان دادند، می‌کوشند آنان را همچنان از این نیروی قدرت‌مند دور و ترسان نگاه دارند و آنان را از آشوب‌های احتمالی بعدی بترسانند. آن‌ها با هشدار دادن نسبت به آشوب‌ها، در واقع می‌خواهند سرچشمه‌های اصلی مبارزه را بخشکانند. جریان اصلاح‌طلب حکومتی باید خود را از ((کابوس شش روزه)) نجات دهد. دو راه بیشتر در پیش نیست. یا باید رو به سوی نیروی کرد که اصلاحات بیشتر می‌خواهد و یا باید با نیروی همراه شد که قصد دارد به جریان اصلاحات در ایران پایان دهد.

اکنون با آغاز سال تحصیلی جدید میلیون‌ها دانشجو و دانش‌آموز بار دیگر فعالانه به عرصه اجتماع و سیاست بازمی‌گردند. آنان آماده‌اند تا به شیوه خود، به دفاع از اصلاحات برخیزند و خواست‌های خود را پیگیری کنند. ادامه تلاش در جهت ممانعت از گسترش مبارزات دانشجویان، دانش‌آموزان و دیگر بخش‌های جوانان، زنان و کارگران به بهانه جلوگیری از آشوب و خشونت، تنها سرنوشت اصلاحات را در بن‌بست و تاریکی بیشتری قرار می‌دهد. در این زمینه به ویژه مسئولیت خطیری متوجه دفتر تحکیم وحدت است که بین مصالح حکومت و مصالح دانشجویان، بین شیوه‌های مبارزه اصلاح‌طلبان حکومتی و شیوه‌های مبارزه دانشجویان، جوانان و مردم ایران، به کدام سمت تمایل نشان دهد.

دانشجویان، جوانان و روشنفکران ایران طی دو سال مبارزه خود علیه مستبدین نشان داده‌اند که تا آنجا که ممکن است به شیوه‌های مسالمت‌آمیز مبارزه پای‌بند و متعهد هستند. ما به سهم خود آنان را به ادامه چنین شیوه‌هایی دعوت می‌کنیم، اما واقعیت این است که هر مبارزه دو سو دارد و تنها در شرایطی می‌توان مبارزات مردم را در بستر مسالمت‌آمیز هدایت کرد که آنان دولت و اصلاح‌طلبان حکومتی را در کنار خود ببینند و خواست‌هایشان گوش شنوا و پاسخی درخور یابد.

نیروی عظیمی بار دیگر به میدان می‌آید، نیروی که می‌تواند نیروی بسیار بزرگ‌تری را نیز به میدان آورد. این نیرو است که می‌تواند بن‌بست اصلاحات در ایران را بشکند و راه را به سوی پیروزی و دموکراسی هموار سازد. به این نیرو باید میدان داد!

یادداشت

آغاز سال جدید تحصیلی نیروی بزرگ آزادی گرد می‌آید!

اول مهر در راه است و میلیون‌ها دانش‌آموز و دانشجو، به استقبال سال جدید تحصیلی می‌روند. نیرویی که بخش بالنده جامعه را تشکیل می‌دهد در دوم خرداد ۷۶، عامل اصلی شکست ولایت فقیه در تحمیل کاندیدای ریاست جمهوری خود بود، پس از وقفه‌ای سه‌ماهه در محیط تلاش خود گرد می‌آید. به ویژه دانشگاه در سال‌های اخیر بار دیگر به یکی از سنگرهای اصلی دفاع از آزادی تبدیل شده است. حرکت شجاعانه دانشجویان در تیرماه امسال، جنبش دانشجویی را به کانون مقاومت در برابر یورش جدید استبداد به دستاوردهای جنبش دوم خرداد و به ویژه مطبوعات مبدل کرد. دانشجویان در تیرماه امسال به خیابان‌ها آمدند تا علیرغم وحشی‌گری‌های نیروی انتظامی و انصار حزب‌الله، فریاد زنند ((۱۸ تیر امسال، ۱۶ آذر ماست)). در تاریخ جنبش دانشجویی، ۱۶ آذر یادآور تکرار هر ساله حرکات دانشجویی در مبارزه با دیکتاتوری است. جا دارد جنبش دانشجویی ایران بار دیگر با به دست گرفتن پرچم اتحاد، مبارزه، پیروزی، مقاومت خود در برابر یورش جدید استبداد که پس از سلام، نشاط را قربانی کرده است، سازمان دهند.

ده‌ها سال تجربه جنبش دانشجویی و همین تجارب اخیر که اوج آن ۱۸ تیر بود، نشان داد قدرت و تاثیر جنبش دانشجویی در تحولات سیاسی، منوط به اتحاد این جنبش است. فعالین جنبش دانشجویی با هر عقیده و مسلک سیاسی که باشند، در جانبداری از آزادی و خواست‌های حقیقت‌طلبانه مردم ستم‌دیده ایران اشتراک دارند و نباید بگذارند دشمنان آزادی، در صفوف آنان تفرقه و تشتت ایجاد کنند. جنبش دانشجویی باید با استفاده از درس‌های ۱۸ تیر، در سال تحصیلی جدید پا به میدان‌های جدید در دفاع از آزادی بگذارد. تاریخ نشان داده است جنبش دانشجویی زمانی موفق بوده است که حول خواست‌های مشترک و با صفوف منسجم به مبارزه پرداخته است.

سال تحصیلی جدید در حالی آغاز می‌شود که ولایت فقیه، موقعیت را برای تعرضی نو به دستاوردهای دوم خرداد مناسب تشخیص داده و روزنامه نشاط را بسته است. خامنه‌ای آشکارتر از هر زمان از تئوریه‌های قتل و جنایت دفاع می‌کند. جای آن است که جنبش دانشجویی نشان دهد منتظر اجازه جناح چپ حکومت نخواهد ماند و استوارتر از همیشه در برابر استبداد قد علم خواهد کرد.

علاوه بر دانشگاه‌ها، مدارس نیز بیش از پیش به کانون مبارزات آزادیخواهانه بدل شده است. زمانی جمهوری اسلامی برای افزودن بر آمار شرکت‌کنندگان در رای‌گیری‌های خود، سن رای دادن را به ۱۶ و سپس ۱۵ سال تقلیل داد، غافل از آنکه میلیون‌ها نوجوان و جوانی که بدینگونه، امکان اعمال نظر می‌یابند، به موی دماغ ولایت فقیه تبدیل خواهند شد. در انتخابات ریاست جمهوری سال ۷۶، این دانش‌آموزان بودند که هم رای خود را علیه ولایت فقیه به صندوق ریختند و هم با فعالیت انتخاباتی، برتری امکانات کاندیدای ولایت فقیه در مساجد، نمازهای جمعه، مجلس و رادیو و تلویزیون و مطبوعات آن زمان را

خنثی کردند. اکنون که انتخابات مجلس در پیش است، نسلی باز هم جدیدتر از نوجوانان به صفوف جمعیت به لحاظ سیاسی فعال کشور می‌پیوندد. صرفنظر از آنکه اهرم‌های ولایت فقیه مانند شورای نگهبان چقدر آزادی انتخاب باقی بگذارند، شش ماهی را که تا انتخابات مجلس باقی است باید به ماه‌های به صحنه آمدن شمار هر چه بیشتری از جوانان و نوجوانان، دانشجویان و دانش‌آموزان به میدان دفاع از آزادی تبدیل کرد. ولایت فقیه و جناح راست حکومت، چیزی ندارند که به جوانان ارائه دهند. ارمغان آنان برای جوانان، چیزی جز نوحه و ورد نیست. نسل جوان ایرانی اگر بارور شدن و رشد استعدادهايش را می‌خواهد، اگر شادی و سرزندگی را می‌خواهد، باید به صحنه بیاید و عرصه را بر استبداد مذهبی تنگ کند. سال جدید تحصیلی، دوره‌ای جدید در این تلاش نسل جوان است.

دادستان انقلاب اسلامی تهران فاش ساخت: بیدادگاه‌های رژیم چهار دانشجو را به مرگ محکوم کردند

حجت‌الاسلام رهبرپور رئیس دادگاه انقلاب اسلامی در یک مصاحبه اختصاصی با روزنامه جمهوری اسلامی فاش ساخت که بیدادگاه‌های رژیم حکم اعدام چهار نفر از دانشجویانی را که در جریان تظاهرات تیر ماه دستگیر شده بودند، صادر کرده است. به گفته رهبرپور تاکنون ۴ نفر به اعدام محکوم شده‌اند که حکم اعدام دو نفر از آنان در دیوان عالی کشور تایید شده و حکم دو نفر دیگر در دست بررسی است. رهبرپور نام این افراد را اعلام نکرده است. رئیس دادگاه انقلاب اسلامی، احتمال صدور احکام اعدام بیشتری را رد نکرده و گفته است: ((البته پرونده‌های با جرایم سنگین باز هم وجود دارد، اما چون ارتباطات آن‌ها به صورت بانندی و گروهی بوده است، هنوز به مرحله صدور حکم نرسیده است.))

رهبرپور در این مصاحبه همچنین خبر از برگزاری ((دادگاه‌هایی)) داده است که گروه نامعلومی از دستگیرشدگان اخیر را به زندان محکوم کرده‌اند و گفته است ((محکومین در حال تحمل کیفرند)).

صدور احکام اعدام و زندان‌ها در شرایطی اعلام شده است، که تا به امروز هیچ خبری از تشکیل دادگاه، محاکمه علنی، برخورداری از حق داشتن وکیل نبوده است. جمهوری اسلامی در مقابله با دانشجویان و جوانان معترض به استبداد، بار دیگر بیدادگاه‌های جنایتکارانه خود را بکار انداخته است و اسرای خویش را بدون کوچکترین حق دفاع به مرگ و زندان محکوم ساخته است.

رژیم اسلامی ایران در آستانه دست یازیدن به جنایت تازه‌ای است. با همه قوا علیه فاجعه تازه‌ای که در راه است به پا خیزیم. ما همه مردم ایران، آزادیخواهان کشور و مجامع دموکراتیک و مدافع حقوق بشر و سازمان ملل متحد را دعوت می‌کنیم که به هر طریق ممکن، به اعتراض علیه این جنایت برخیزند و مانع از ریختن خون‌های تازه‌ای از آزادیخواهان ایران شوند. اصلاح‌طلبان، آزادیخواهان، روزنامه‌های مخالف استبداد، احزاب و سازمان‌های مخالف این احکام جنایتکارانه می‌توانند با اعتراض مشترک خود آدمکشان را از کشتارهای تازه منصرف کنند.

در این زمینه مسئولیتی بزرگ و تاریخی بر دوش رییس‌جمهور اسلامی، آقای محمد خاتمی است. مردم ایران از او انتظار دارند از هر طریقی که می‌تواند مانع از اجرای احکام دادگاه انقلاب و اعدام دانشجویان آزاده ایران گردد و اگر قدرت تغییر چنین احکامی را ندارد، مردم را به یاری فرا خواند.

ما به نوبه خود هشدار می‌دهیم اگر حکومت جمهوری اسلامی خون دانشجویان آزاده ایران را بار دیگر بر زمین ریزد، به دست خویش شرایطی را فراهم کرده است که دیگر قابل کنترل نخواهد بود. آزادیخواهان ایران و صدها هزار دانشجو از این خون‌ها نخواهند گذشت.

توقیف نشاط آغاز حمله‌نهایی برای تسخیر مجلس ششم است چشم‌ها برای درهم‌شکستن توطئه تازه دشمنان آزادی به دانشگاه‌ها است

علیرغم اعتراضات نه چندان تعیین کننده‌ای که به توقیف روزنامه نشاط صورت گرفته است، جای خالی دانشجویان به خوبی حس می‌شود. چشم‌ها متوجه دانشگاه‌هاست که به زودی بازگشایی می‌شوند و صدها هزار دانشجو را گرد هم می‌آورند. خواست‌های پاسخ داده نشده دانشجویان، زخم‌هایی که بر قلب‌هایشان نشسته است، اکنون با دلیل تازه‌ای برای اعتراض و مقاومت توأم شده است. نشاط را نیز بسته‌اند و خطر، دیگر روزنامه‌های باقی‌مانده اصلاح‌طلب را بطور جدی تهدید می‌کند. بسیاری چگونگی شکل‌گیری مقاومت در دانشگاه را در سرنوشت چالش جدیدی که آغاز شده است، تعیین‌کننده می‌دانند. اعتراض دانشگاه می‌تواند محرک تازه‌ای را به نیروهای اصلاح‌طلب و آزادی‌خواه برای ایجاد یک مقاومت سراسری علیه تهاجم تازه دشمنان آزادی بدهد. دانشگاه نه تنها از این مرتجعین، بلکه از اصلاح‌طلبان حکومتی نیز زخمی عمیق بر سینه دارد، اما آنجا که سرنوشت جنبش آزادی در میان است، جایی برای بازگشایی این زخم‌ها نیست. آیا دانشگاه بار دیگر پرچمدار دفاع از آزادی خواهد شد؟

فرمان حمله از سوی ولی‌فقیه

روز دهم شهریور ماه، سیدعلی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی در یک سخنرانی در مشهد در برابر پاسداران و بسیجیان

گفت: ((کسی که به انکار احکام و ضروریات دین از جمله قصاص شرعی و دینی تجاهر کند، مرتد است و حکم مرتد نیز در اسلام معلوم است)). این سخنان، اشاره مستقیم به روزنامه نشاط داشت که مقاله‌ای را در نفی قصاص به چاپ رسانده بود و آغازی شد بر یورش دوباره به مطبوعات که در نخستین گام ((نشاط)) را قربانی کرد.

یک روز بعد از این تهدید آشکار مطبوعات، قوه قضاییه حکومت اسلامی، که بسیاری به وعده‌های رییس جدید آن در مورد ((توسعه قضایی)) دل خوش کرده بودند، با صدور بیانیه شدیدالحنی، ضمن حمایت از سخنان آشکارا سرکوب‌گرانه رهبر جمهوری اسلامی، وعده داد که صدای مطبوعات منتقد و معترض را خاموش خواهد کرد.

شامگاه روز شنبه دوازدهم شهریور ماه، در وقت غیراداری، مسئولین روزنامه نشاط به دستور علیزاده رئیس دادگستری استان تهران به دادگستری فراخوانده شدند. در آنجا قاضی سعید مرتضوی، رئیس دادگاه مطبوعات و عضو هیات مولفه اسلامی در انتظار آن‌ها بود. مرتضوی به مسئولان نشاط اعلام کرد، به دلیل چاپ مقاله ((قصاص یا اعدام)) و همچنین درج نامه یدالله سبحانی به رهبر جمهوری اسلامی، روزنامه آن‌ها توقیف است و آن‌ها اجازه انتشار آن را تا تشکیل دادگاه ندارند. قاضی مرتضوی مسئولان نشاط را تهدید کرد که در صورت انتشار روزنامه، به زور جلوی آن را خواهد گرفت.

اطلاعیه دادگستری تهران

همانروز دادگستری تهران طی اطلاعیه‌ای دلایل توقیف روزنامه نشاط را اعلام کرد. بنابر اطلاعیه روابط عمومی دادگستری تهران، شکایت از سوی رئیس کل دادگستری استان تهران به عنوان مدعی‌العموم مطرح و از سوی شعبه ۱۴۱۰ دادگاه عمومی تهران حکم توقیف صادر شده است. در اطلاعیه دادگستری تهران اتهام توهین به رهبر جمهوری اسلامی حذف شده بود و بنا بر این توقیف نشاط هرگونه دلیل قانونی خود را از دست داد. مطابق قانون مطبوعات موجود، تنها به دلیل ((توهین)) به رهبر جمهوری اسلامی می‌توان مطبوعات را بدون دادگاه توقیف کرد. اما قاضی مرتضوی پایش را در یک کفش کرد که: اتهام توهین به رهبری به جای خود باقی است و تنها به ((دلایلی)) از اطلاعیه دادگستری حذف شده است!

وزارت ارشاد: غیرقانونی است

مسئولین وزارت ارشاد بلافاصله به تصمیم قاضی دادگاه مطبوعات اعتراض کردند. شعبان شهیدی معاون مطبوعاتی وزارت ارشاد اعلام کرد تصمیم قاضی مرتضوی غیرقانونی است و از نظر وزارت ارشاد انتشار روزنامه تا تصمیم دادگاه مطبوعات که با حضور هیات منصفه است، بلامانع است. سخنان شهیدی، دعوت مسئولان روزنامه نشاط به ادامه انتشار روزنامه‌شان بود، اما مسئولان این روزنامه اعلام کردند ((به احترام قوه قضاییه)) از انتشار روزنامه خودداری می‌کنند و امیدوارند دستور لغو توقیف به زودی برسد، امیدی که هنوز تحقق پیدا نکرده است.

هیات نظارت بر مطبوعات بدنال تعطیل روزنامه نشاط اعلام کرد جلسه‌ای جهت رسیدگی به مقاله نشاط در مورد حکم اعدام برگزار کرده و مقاله مزبور را مصداق جرم مطبوعاتی تشخیص نداده است. هیات نظارت به خاطر چاپ این مقاله به روزنامه نشاط ((اخطار کتبی)) داد.

روز بعد عطاالله مهاجرانی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به دیدار هاشمی شاهرودی رئیس قوه قضاییه شتافت، اما برخورد رئیس جدید قوه قضاییه ناامید کننده بود. او از توقیف روزنامه نشاط حمایت کرد و به مهاجرانی گفت اگر او به وظایفش عمل کند، کار به قوه قضاییه نخواهد کشید!

روز ۱۶ شهریور ماه، وزارت ارشاد با صدور اطلاعیه دیگری تحت عنوان ((دفاع از حریم قانونی مطبوعات)) بار دیگر تاکید کرد تصمیم قاضی دادگاه مطبوعات در مورد توقیف روزنامه نشاط غیرقانونی است و از رئیس قوه قضاییه خواست به این اقدام غیرقانونی پایان دهد.

کنفرانس خبری

مسئولین روزنامه نشاط در یک کنفرانس مطبوعاتی با حضور خبرنگاران خارجی و داخلی، تصریح کردند اتهامات وارده علیه روزنامه آن‌ها به هیچ وجه جنبه قانونی ندارد و باید هرچه سریعتر از این روزنامه رفع توقیف شود. لطیف صفری در این کنفرانس مطبوعاتی گفت: امثال قاضی مرتضوی باید بدانند که هر روزنامه‌ای را هم توقیف کنند، موفق به توقیف و تعطیل کردن اندیشه‌های مردم نخواهند شد. به گفته سردبیر نشاط توقیف این روزنامه در عرض تنها ۵ روز، زبانی برابر با دویست میلیون تومان داشته است. شمس‌الواعظین گفت: ضامن حقوقی تعطیل روزنامه‌ها کیست و چه کسی مسئولیت زیان‌های اقتصادی روزنامه‌های توقیف شده را برعهده می‌گیرد؟ شمس‌الواعظین گفت: مسئولین این روزنامه بدلیل اقدامات غیرقانونی قاضی مرتضوی، از این پس به هیچ عنوان وی را طرف خطاب خود نمی‌دانند. وی از رئیس جمهور خواست در صورتی که در راه برقراری امنیت شغلی اصحاب مطبوعات تحت فشار است، بطور شفاف این مساله را بیان کند تا همگان به وقایع تاثیرگذار بر روند مطبوعات پی ببرند.

روحانیون وارد میدان می‌شوند

در حالیکه همه تقاضاها از هاشمی شاهرودی بی‌پاسخ مانده و او عملاً جانب سرکوبگران را گرفته است. جریان محافظه‌کار با کشیدن پای ارگان‌های رسمی رژیم به ماجرا و همچنین روحانیون بلندپایه، زمینه یورش‌های بعدی و بستن مطبوعات باقی

مانده را می‌چیند. مجلس خبرگان رهبری، در یک اجلاس فوق‌العاده بیانیه‌ای انتشار داد که بخش اعظم آن در حمله به مطبوعات بود. این اقدام بی‌سابقه، نشان‌دهنده آن است که محافظه‌کاران قصد کرده‌اند همه قوای خود را در این نبرد وارد سازند و پیش از شروع رقابت‌های انتخاباتی مجلس ششم، کار روزنامه‌های مخالف خویش را یکسره سازند. حمله‌ای که خامنه‌ای فرمان آن را صادر کرد و از سوی قوه قضاییه و مجلس خبرگان دنبال شد، در هفته گذشته با پیوستن روحانیون محافظه‌کار و ائمه جمعه به آن، دامنه بیشتری گرفت. بسیاری از روحانیون صاحب نفوذ نظیر نوری همدانی، مکارم شیرازی و فاضل لنکرانی، با انتشار اطلاعیه‌های جداگانه و یا سخنرانی‌های خود، مطبوعات را زیر حملات شدیدی قرار دادند. در سخنرانی‌های این گروه از روحانیون، صاحبان قلم و اندیشه که با انحصارطلبی به مخالفت برخاسته‌اند با صراحت بیشتری به عنوان مرتد نام برده شده و به قتل تهدید شده‌اند. در خطبه‌های نماز جمعه تهران، عسگر اولادی، دبیرکل جمعیت مولفه اسلامی که بیشترین نقش و علاقه را در سرکوب مطبوعات دارد، به عنوان سخنران پیش از دستور حاضر شد و علیه مطبوعات سخنرانی کرد و گفت: ((مراجع عظام تقلید، نگران این قلم‌ها هستند))!

استعفای وزیر ارشاد را می‌خواهند

در حالیکه گردانندگان روزنامه نشاط و تقریباً همه اصلاح‌طلبان حکومتی می‌کوشند مانع دخالت قوه قضاییه به نفع قاضی مرتضوی و هیات مولفه شوند و در این تلاش عملاً با شکست مواجه شده‌اند، مرتجعین بار دیگر حملات خود را بر وزیر ارشاد متمرکز کرده‌اند و به طور آشکاری، برکناری و یا استیضاح او را می‌طلبند. روزنامه‌های کیهان، رسالت و جمهوری اسلامی همراه با نمایندگان تندروی مرتجع مجلس، آقای خاتمی را برای مجبور کردن مهاجرانی به استعفا تحت فشار قرار داده‌اند. در این تلاش‌ها که با جنگ روانی نیز همراه است، روزنامه صبح، وابسته به مرتجعین، خبر داده است مهاجرانی به زودی از کار خود برکنار خواهد شد.

محکوم کردند

انجمن دفاع از آزادی مطبوعات که اخیراً در ایران تشکیل شده است، در یکی از نخستین بیانیه‌های خود توقیف روزنامه نشاط را محکوم کرد. این انجمن نوشت: ((دستور توقیف روزنامه نشاط در حالی صادر شده که احضار مدیر مسئول آن در مقام متهم و مراحل تفهیم اتهام، در ساعات غیراداری و برخلاف روال معمول و مقررات قانونی صورت گرفته است)). انجمن از رئیس قوه قضاییه خواسته است که با رعایت بی‌طرفی و قانون به این موضوع رسیدگی کند، اما این تقاضا و سایر تقاضاها از رئیس جدید قوه قضاییه بی‌پاسخ مانده است. انجمن صنفی روزنامه‌نگاران نیز با انتشار اطلاعیه‌ای توقیف غیرقانونی روزنامه نشاط را محکوم کرد و از رئیس قوه قضاییه خواست به این نحوه برخورد با مطبوعات پایان داده شود.

مار آستین اصلاح‌طلبان حکومتی

خزیدن آرام رفسنجانی برای اشغال مجدد مواضع کلیدی قدرت در جمهوری اسلامی و تلاش‌های آشکار و پنهان او برای تحکیم و تثبیت موقعیت سیاسی خود، موضوعی است فراتر از بررسی ویژگی‌ها و مواضع این دولتمرد فرصت‌طلب، موقع‌شناس و شیفته قدرت. در شرایط کنونی نقشه‌های رفسنجانی و برنامه‌های دیگران برای وی، اهمیت سیاسی ویژه‌ای یافته است. مصوبه اخیر مجلس شورای اسلامی در مورد مستثنی کردن رئیس شورای تشخیص مصلحت نظام از استعفا برای شرکت در انتخابات، و اینکه این مصوبه با توافق و حمایت بخش‌هایی از هر دو جناح حکومتی پیش برده شده و ملاقات‌های پیش و پس پرده، از جمله علائم و نشانه‌هایی است که از حسابی که روی رفسنجانی و نقشه سیاسی او باز شده است، حکایت دارد. عوامل و دلایل چندی این موقعیت جدید را برای رفسنجانی مهیا کرده است:

علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی از دوم خرداد بدین سو و بطور روزافزون، نه به مثابه رهبر متعادل‌کننده و فوق‌جناحی بلکه به مثابه رهبر جناح محافظه‌کار حکومت عملکرد و برآمد داشته است. اساساً یکی از دلایل انتخاب محمد خاتمی به ریاست جمهوری، حمایت خامنه‌ای از کاندیدای رقیب وی بود. عملکرد ارتجاعی و جناحی خامنه‌ای در مورد سلسله قتل‌های سیاسی اخیر، در جریان سرکوب حرکت‌های دانشجویی و تشدید کارزار علیه نشریات مستقل و اصلاح‌طلب، نمود بارز و آشکاری داشت. این بی‌آبرویی آشکار، وی را از ایفای نقش متعادل‌کننده و نقطه مرضی‌الطرفین در راس هرم قدرت دور کرده و وی را در این رابطه به مهره‌ای بی‌مصرف تبدیل کرده است. اکنون که رعایت اکید مصالح کل نظام و ((پایین کشیدن فتیله‌ها)) و ترسیم مجدد و پررنگ خط قرمز غیرقابل عبور مورد گفتگوی سران جمهوری اسلامی قرار گرفته است، به نظر می‌رسد دیگر جناح محافظه‌کار پذیرفته است نقش متعادل‌کننده و نقطه توافق را رفسنجانی و راه‌کارهای او قرار دهد. شایعات موجود در مورد ائتلاف کارگزاران با جمعیت مولفه و ملاقات حمیدرضا ترقی نماینده این جمعیت با هاشمی رفسنجانی بی‌زمینه و دلیل نیست.

جناح ارتجاعی و محافظه‌کار، بشدت نسبت به آینده سیاسی خود بیمناک است. سران آن به روشنی می‌بینند با پیشرفت روندها نقش آنان در آینده سیاسی کشور بطور جدی کاهش می‌یابد. بدین دلیل در تلاشند آنچه را که نجات‌دانی است، دریابند. آنها به دلیل مواضع محافظه‌کارانه و فوق‌ارتجاعی‌شان نمی‌توانند به اصلاحات خاتمی تن دهند. اما با ژست‌های اصلاح‌گرایانه و ماهیت محافظه‌کارانه رفسنجانی می‌توانند کنار بیایند. و این همان نقش ایده‌آل رفسنجانی است: ناجی

محافظة‌کاران در شکل (نوبنیادگرایانه)) آن.

رفسنجانی در موقعیتی است که می‌تواند نیروهای اصلاح‌طلب پیرامون حکومت را دچار انشقاق کند. وی با نفوذی که بویژه از طریق خانواده و بستگان خود از جمله مرعشی برادر همسرش که جانشین دبیرکل حزب کارگزاران است بر این حزب دارد، می‌تواند تا حد قابل‌توجهی سیاست‌های حزب کارگزاران را سمت دهد. وی از این نفوذ در جریان انتخابات مجلس خبرگان نیز استفاده کرد و حزب کارگزاران را به جداکردن خط خود از نیروهای چپ اسلامی و جبهه مشارکت اسلامی کشاند. داشتن این اهرم و چنین روابطی به تقویت موقعیت رفسنجانی در میان دیگر رهبران طرازنخست جمهوری اسلامی انجامیده است. وی قطعاً تلاش خواهد کرد از این موقعیت در جریان انتخابات مجلس ششم نیز حداکثر بهره‌برداری را بکند.

رفسنجانی نقطه امید مجموعه نیروهای محافظه‌کار حکومتی برای نباختن انتخابات مجلس ششم و دورنگداشتن ریاست مجلس از چنگ جناح رقیب است. جناح راست سنتی برای ریاست مجلس نمی‌تواند بر مهره‌ای چون ناطق‌نوری امید ببندد. برای آنها رفسنجانی در این مورد، موقعیت اطمینان‌بخش‌تری دارد. رفسنجانی برای آنها امید واتکایی است که بتوانند با دلگرمی طرح‌های خود برای پیروزی در انتخابات مجلس را به اجرا درآورند. در این میان آنچه که جناح محافظه‌کار از کف می‌دهد، امتیازاتی است به بخشی از کارگزاران و شخص رفسنجانی، اما در مقابل شکست اصلاح‌طلبان طرفدار خاتمی در انتخابات و یا حداقل جلوگیری از پیروزی موثر آنها را تدارک می‌بیند.

اکثر تشکلهای وابسته به جناح طرفدار ۲ خرداد نیز در موقعیت و موضعی نیستند که رفسنجانی را در این نقش نپذیرند و یا به تقابل با این نقش به غایت خطرناک و مخرب وی برخیزند. از هم اکنون قابل پیش‌بینی است که تشکلهایی چون مجمع روحانیون مبارز و حتی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، هریک با مواضع و استدلالی خاص، رفسنجانی را در صدر لیست‌های انتخاباتی خود بگنجانند.

تقابل محافظه‌کاران سنت‌گرا با اصلاح‌طلبان، بر زمینه هراس مشترک هر دو جناح از برآمد موج اعتراضات مردمی و دغدغه مشترک آنها برای حفظ نظام به هر قیمت به ایجاد فضایی انجامیده است که رفسنجانی آن را برای پای گذاشتن مجدد خود به صحنه مساعد یافته است. رفسنجانی می‌کوشد خود را به مثابه نماد مصلحت نظام و مواضع خود را به مثابه محل تلاقی و جایگاه سازش نیروهای متعارض درون حکومتی به ویژه به اصلاح‌طلبان طرفدار خاتمی بقبولاند. اگر وی در این هدف خود موفق شود نیروهای طرفدار اصلاحات در حکومت بزرگترین ضربه و شکست را متحمل شده‌اند. اگر خاتمی و دیگر سران نیروهای اصلاح‌طلب به چنین نقش و موقعیتی تن دهند، خود پایان و ته کشیدن ظرفیت اصلاح‌طلبی‌شان را اعلام کرده‌اند. رفسنجانی مار آستین اصلاح‌طلبان درون و پیرامون حکومت است.

انتخابات مجلس شورای اسلامی:

سلامتی: محافظه‌کاران پرونده‌سازی را آغاز کرده‌اند

محمد سلامتی دبیرکل سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در یک سخنرانی در گیلان گفت جناح محافظه‌کار پرونده‌سازی برای حذف رقبای خود از انتخابات مجلس شورای اسلامی را از هم اکنون آغاز کرده است. وی گفت: این‌ها سعی می‌کنند که در مورد رد صلاحیت افراد با تمام قوا وارد عمل شوند و از اکنون شروع به پرونده‌سازی کرده‌اند که رد صلاحیت‌ها را شروع کنند. آنان گفته‌اند که رای مردم برای ما ارزشی ندارد و مردم نمی‌توانند تصمیم بگیرند. سلامتی که در ارتباط با انتخابات مجلس ششم سخن می‌گفت، افزود: مجلس ششم برای هر دو جناح خیلی مهم است. برای جناح جبهه دوم خرداد از این لحاظ که برنده شدن آنها یعنی تأیید مجدد دوم خرداد و تفکرات آقای خاتمی و بیمه کردن نظام. برای جناح راست نیز از این لحاظ حیاتی است که مجلس قانون‌گذار است و قوانینی را که تصویب می‌کند به نفع طبقاتی خودشان است، قوانینی که آزادی را محدود می‌کند مثل قانون مطبوعات و یا خودشان در انتخابات با این قوانین، موانعی را برای دیگران به نفع خودشان ایجاد می‌کنند مثل نظارت استصوابی. سلامتی افزود: ((جناح راست که نمی‌تواند یک نانوائی را اداره کند اگر مجلس ششم را در دست بگیرد، کار دولت تمام است)).

در همین حال، محمدرضا باهنر یکی از سران جناح محافظه‌کار در مجلس پیش‌بینی کرد این جناح انتخابات شهرهای کوچک را خواهد برد. باهنر گفت: ((در مراکز شهرستان‌ها این ترکیب کاملاً به نفع ما عوض می‌شود، در شهرهای کوچک قاطعانه آرا به نفع مجموعه ماست و در روستاها نیز وضع بهتر است)).

روزنامه خرداد در تحلیلی پیرامون این سخنان تحت عنوان ((کمین راست)) نحوه استفاده محافظه‌کاران از حربه نظارت استصوابی را مورد بررسی قرار داد و نوشت:

((جناح راست در حافظه تاریخی خود، دوم خرداد ۷۶ را به دقت تحلیل کرده و به هیچ رو از آن غافل نیست. سخن آقای باهنر، پیش‌بینی یک سیاست‌مدار نیست. این سخن از طرحی پشت‌پرده خبر و نشان می‌دهد که جناح راست، برنامه انتخابات مجلس ششم را به چه دقتی طراحی کرده و تا چه اندازه بر اجرای آن مصمم است. جناح راست به نیکی می‌داند که سهم شهرستان‌ها در آفرینش دوم خرداد در اکثر موارد بیش از مراکز استان‌ها بوده و اگر کار انتخابات مجلس ششم بخواد یک‌سره بر مدار آرای مردم بچرخد، یقیناً همان نتیجه دوم خرداد را در شکلی شدیدتر شاهد خواهند بود، بنابراین در برنامه جناح راست، عناصر دیگری باید وارد شده باشد تا کسی چون آقای باهنر که برخلاف بعضی از هم‌جناحی‌های خود سخن به گزافه نمی‌گوید، این‌گونه مطمئن خبر از پیروزی راست در شهرستان‌ها بدهد. این عناصر تغییردهنده، چیزی نیست جز نظارت

استصوابی شورای نگهبان، پایگاه نامعلوم برخی سیاستمداران و نیز تقسیم آرا جناح چپ)).
 خرداد ادامه داد: ((با احتساب نمایندگان تهران، شهرهای بزرگ حداکثر ۵۸ نماینده در مجلس سهم دارند (اگر از ۲۰ نماینده اضافه شده به مجلس، سهمی به آن‌ها داده شود) یعنی نسبت به ۲۹۰ نماینده که کل مجلس را تشکیل می‌دهد (۲۷۰ + ۲۰ نفر اضافه شده این دوره) دقیقاً ۲۰ درصد کل. این ۲۰ درصد، کسانی هستند که رد صلاحیت آنان به علت شهرت آن‌ها در سطح مملکت، به مطبوعات کشیده می‌شود و جناح راست، بهایی گزاف در قبال رد صلاحیت آن‌ها می‌پردازد. از سخن آقای باهنر به نظر می‌رسد که جناح راست مصمم است صلاحیت این ۲۰ درصد را رد نکند و در این بخش تمام تلاش خود را به این امر معطوف کند که شخصیت‌های بینابینی نظیر هاشمی رفسنجانی، سید محمود دعائی و... به مجلس راه یابند (پیش‌بینی می‌شود که چند تن از این‌گونه شخصیت‌ها در لیست همه گروه‌های سیاسی مشترک باشند) و در نهایت این که اگر همه این ۵۸ نفر هم از جناح چپ به مجلس راه یابند، در کل فقط ۲۰ درصد مجلس از نمایندگان چپ تشکیل شده است. صحنه‌ای که به نظر می‌رسد جناح راست قصد دارد در آن از تیغ نظارت استصوابی به نحوی موثر استفاده کند، صحنه انتخابات شهرستان‌ها (یعنی ۸۰ درصد نمایندگان مجلس) است.))

خرداد در ادامه مقاله خود به ((پایگاه نامعلوم برخی از چهره‌های مشهور)) اشاره کرده و آن‌ها را کسانی دانسته که نان به نرخ روز می‌خورند و نمایندگی مجلس را وسیله‌ای برای ترقی شخصی خود می‌دانند و نتیجه گرفته است که این افراد با پاسخ مثبت محافظه‌کاران به خواست‌های آنان، می‌توانند در خدمت این جناح درآیند. روزنامه خرداد ((تقسیم آرا جناح چپ)) را دلیل دیگری برای تحقق پیش‌بینی باهنر می‌داند و می‌نویسد: ((جناح راست سال‌هاست که از سازمان‌دهی منظمی برخوردار است. این سازمان‌دهی بی‌آن که هیاهو به راه اندازد، کلیه هم‌فکران خود را حتی در اقصی نقاط کشور کنترل می‌کند. به همین دلیل به راحتی می‌تواند بر روی تکتک آرا واقعی و غیرواقعی خود حساب کند اما جناح چپ در واقع از مردم تشکیل شده است و متأسفانه مردم، سازمان‌بندی سیاسی مناسبی ندارند. احزاب و گروه‌های جناح چپ نیز اکثراً فقط در تهران یا چند شهر بزرگ (با ۲۰ درصد سهمیه در مجلس) از سازمان‌دهی سیاسی استفاده می‌کنند. این موضوع باعث می‌شود آرا چپ تقسیم شود و راست با اکثریت نسبی به مجلس راه یابد)). خرداد به تجربه انتخابات شوراها اشاره کرده و نوشته است: ((به طور نمونه در انتخابات شورای شهر یک شهرستان، جناح راست با معدل ۳۰ درصد از کل آرا، هر پنج کاندیدای خود را به شورای شهر فرستاد آن هم در حالی که کاندیداهای پذیرفته شده چهارم و پنجم تنها ۲۱/۲ درصد آرا را کسب کردند اما جناح چپ با معدل ۷۰ درصد آرا نتوانست حتی یک نماینده به شورای شهر بفرستد زیرا این ۷۰ درصد مابین ۹ گروه پنج نفره تقسیم شد و بیشترین رای نفر اول جناح چپ ۱۲/۳ درصد آرا بود. در انتخابات آینده مجلس، جناح راست به دقت طرح‌هایش را طراحی کرده و بر اجرای آن مصمم است. پس پیش‌بینی آقای باهنر بیهوده نیست و اگر پارامترهای غیر قابل محاسبه در سرنوشت انتخابات اثر نگذارد، به احتمال قوی نتیجه همان خواهد بود که ایشان پیش‌بینی کرده است.))

اجلاس فوق‌العاده مجلس خبرگان با صدور بیانیه‌ای در محکومیت مطبوعات پایان یافت

اجلاس دو روزه مجلس خبرگان که به طور ناگهانی در شهر مشهد برگزار شد، با صدور بیانیه‌ای به کار خود پایان داد. این اجلاس به دنبال سفر خامنه‌ای به خراسان فراخوانده شد و همین سفر و مذاکرات پشت‌پرده خامنه‌ای با کسانی چون واعظ طبسی، نشان داد، که این مجلس به دستور و خواست او فرا خوانده شده است، تا از حمله‌ای که او از مشهد علیه مطبوعات آغاز کرد، پشتیبانی کند. مجلس خبرگان به این خواست ((رهبر)) گردن نهاد و با صدور بیانیه‌ای به کارزار مبارزه با مطبوعات پیوست. هم‌زمان با تشکیل مجلس خبرگان، مطبوعات که با تعطیل نشاط سایه سنگین مستبدین را بر بالای سر خود حس می‌کردند، به بررسی احتیاط‌آمیز کارنامه مجلس خبرگان پرداختند. هاشمی رفسنجانی، سال گذشته که می‌خواست مردم را به شرکت در انتخابات مجلس خبرگان قانع کند، قول داده بود این مجلس فعالانه‌تر عمل کند و وظیفه نظارتی خود در قبال ((رهبر)) را به انجام رساند. همین وعده از سوی مطبوعات به مجلس خبرگان خاطر نشان شد و آنان از مجلس خبرگان، بررسی عملکرد رهبری را خواستند. فردوسی‌پور رئیس کمیسیون بررسی عملکرد رهبری مجلس خبرگان، به این خواست ((پاسخ)) داد و در چند جمله اعلام کرد از نظر خبرگان ((جمیع شرایط رهبری)) ((در حد اعلا)) در ((رهبری)) جمع است.

مجلس خبرگان فرا خوانده نشده بود تا عملکرد ولی فقیه را مورد بررسی قرار دهد، جمع شده بود تا از او در برابر انتقادات فزاینده که به ویژه در جریان تظاهرات دانشجویان آشکار شد، دفاع کند و با او در سرکوب مطبوعات همدستان شود. از این رو در مورد اول با تشکیل ((کمیسیون دفاع از ولی فقیه)) به کار خود پایان داد و در مورد دوم نیز اطلاعیه‌ای صادر کرد تا منویات خامنه‌ای را پاسخ گفته باشد.

نامه رئیس‌جمهور آمریکا برای رهبران ایران

روزنامه‌های خرداد و صبح امروز روز شنبه گذشته خبر از نامه‌ای دادند که بیل کلینتون رئیس‌جمهور آمریکا برای سران حکومت ایران، محمد خاتمی و علی خامنه‌ای نوشته است. روزنامه خرداد منبع خبر خود را علی‌رضانوری‌زاده روزنامه‌نگار ایرانی مقیم لندن و صبح امروز این منبع را بخش فارسی رادیو فرانسه ذکر کرده‌اند.

به نوشته روزنامه صبح امروز نامه کلینتون حدود ۲۰ روز پیش، از طریق یک مقام بلندپایه یک کشور عربی که رابطه بسیار دوستانه‌ای با مقامات جمهوری اسلامی دارد، به تهران فرستاده شده است و با لحنی محترمانه و مودبانه نوشته شده است. کلینتون در نامه خود خواهان استرداد برخی از افراد عرب که مدعی تروریست بودن آنهاست، از سوی جمهوری اسلامی گردیده است. به گزارش صبح امروز، کلینتون در نامه خود یادآوری کرده است وی، مادلین آلبرایت وزیر امور خارجه آمریکا و ساموئل برگر، مشاور امنیت ملی‌اش، خواستار رفع مشکلات در رابطه با ایران هستند و تا امروز هم در برابر فشارهای کنگره و برخی از گروه‌های فشار در آمریکا برای این که در برابر ایران موضع خصمانه‌ای بگیرند، مقاومت کرده‌اند و چون علاقه دارند مسایل میان دو کشور حل شود، از رهبری ایران تقاضا می‌کنند برای مصلحت کشور خود، صلح جهانی و کمک به ایجاد جوی آرام در منطقه، افراد مورد نظر را برای محاکمه تحویل آمریکا بدهند. به نوشته صبح امروز، کلینتون به طور غیرمستقیم تهدید کرده در غیر این صورت، مجبور به اتخاذ تصمیم‌هایی خواهد شد که شاید خود او هم رغبتی به آن‌ها نداشته باشد. صبح امروز از قول رادیو فرانسه افزوده است: پس از طرح اولیه این نامه در شورای عالی امنیت ملی و برخی مخالفت‌ها با آن، تصمیم گرفته شد کمیته‌ای مرکب از نمایندگان آیت‌الله خامنه‌ای و محمد خاتمی مامور نوشتن پاسخ به نامه کلینتون به نحوی شایسته شوند. قرار است نامه به گونه‌ای باشد که بهانه‌ای به دست تندروها در واشنگتن ندهد که رئیس‌جمهوری آمریکا را تحت فشار قرار دهند به ایران حمله کند یا تصمیم‌هایی علیه جمهوری اسلامی بگیرد.

در حالی که روزنامه خرداد نوشته است، به دلیل عدم دسترسی به مقامات مربوطه نتوانسته است از صحت یا سقم این خبر اطلاعی کسب کند، روزنامه صبح امروز آخرین خبر به نقل از ((منابع موثق)) را چنین نقل کرده است: در نامه‌ای که در پاسخ به کلینتون نوشته شده، طرف ایرانی نیز درخواست‌هایی را مطرح کرده است که از آن جمله می‌توان به استرداد عاملان فاجعه سرنگونی ایرباس ایرانی برای محاکمه توسط حکومت جمهوری اسلامی اشاره کرد.

وزارت اطلاعات و دادستانی انقلاب: شورای منتخب دانشجویان متحصن غیرقانونی است

رهبرپور رئیس دادگاه انقلاب اسلامی، خبر روزنامه جمهوری اسلامی در مورد غیرقانونی بودن شورای منتخب متحصنین را تایید کرد. پیش از آن این روزنامه از قول یک ((مقام آگاه)) در وزارت اطلاعات اعلام کرده بود شورای منتخب دانشجویان متحصن دانشگاه تهران غیرقانونی است و باید خود را منحل کند.

به گفته این مقام ((تحركات و مطالبات این شورا موجب اخلال در امنیت است و هر چه زودتر باید به این تحركات خاتمه داده شود)). به نوشته روزنامه جمهوری اسلامی مقام فوق گفته است: ((در صورتی که اعضای این شورا در روزهای آینده انحلال آن را اعلام نکنند، با آن‌ها برخورد خواهد شد)).

در حالی که ارگان‌های مسئول در این رابطه هنوز نظری را اعلام نکرده‌اند، معلوم نیست مقامات وزارت اطلاعات و دادستانی انقلاب چگونه و بر اساس کدام قانونی به خود حق داده‌اند این شورا را غیرقانونی اعلام کنند.

شورای منتخب متحصنین در آخرین اطلاعیه خود، از گزارش شورای عالی امنیت ملی انتقاد کرده و نوشته بود: ((تهدیدها و تحدیدها تا به امروز نشانگر رفتاری کژدار و مریز حتی از سوی کسانی است که در آغاز به ظاهر با حرارت از تشکیل این مجموعه دفاع می‌کردند. غیرقانونی خواندن شورا که با توسل به ضعف و عدم شفافیت قوانین احزاب و گروه‌ها صورت می‌گیرد، عملکرد و نگرش مسئولان نهادهای مختلف در برابر ثمره عقلانیت جنبش دانشجویی و مواردی از این دست، آزمونی است بر ادعای مسئولان و تنها در این میان یاری مطبوعات پلی برای عبور از این گسست است، گسستی که بین حرف‌ها و عمل‌ها دیده می‌شود)). این اطلاعیه افزوده است: ((به حاشیه کشاندن فاجعه ۱۸ تیر ماه که به حق باید آن را روز امنیت ملی، دانشجو و انقلاب نامید، پرداختن بسیار به آشوب‌های خیابانی، انتساب غیرواقع برخی رفتارها به مجموعه دانشجویان و تلاش موزیانه در کمرنگ جلوه دادن حمله وحشیانه نیروهای مهاجم به دانشجویان با متهم نمودن دانشجویان به حرکتی مشابه، برگی دیگر از کتاب مظلومیت جنبش دانشجویی است)).

در بخش دیگری از این اطلاعیه آمده است: ((دادگاه انقلاب به جای برخورد با عوامل شناخته شده‌ای که خصومت آنان با دانشجویان و دانشگاهیان بر کسی پوشیده نیست و حضور آنان در فاجعه کوی دانشگاه قطعی می‌نمود و محکومیت عناصر وابسته این جریان خشونت در محاکم قضایی به دلیل ضرب و شتم، اقدام به دستگیری دانشجویان فعال تشکل‌های قانونی می‌کند که با واکنش مقامات کشوری و افکار عمومی مساله به ظاهر مسکوت ماند)).

اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

تهاجم به مطبوعات مستقل روزنامه نشاط توقیف شد!

دادگستری استان تهران روزنامه نشاط را به اتهام اهانت به احکام اسلام توقیف کرد. دستاویز این اتهام، درج مطلبی با عنوان ((آیا خشونت دولتی مجاز است)) در این روزنامه است. نویسنده مقاله، علیه حکم اعدام موضع گرفته بود. توقیف این روزنامه، بدنبال سخنان خامنه‌ای در محکومیت روزنامه‌های مستقل و منتقد صورت گرفت. خامنه‌ای بطور صریح خواستار برخورد با مطبوعاتی شده بود که به زعم او مطالبی علیه احکام اسلام درج می‌کنند. قوه قضائیه بلافاصله در پاسخ مثبت به سخنان خامنه‌ای موضع گرفت و سپس به توقیف غیرقانونی روزنامه نشاط دست یازید. رئیس جدید قوه قضائیه نشان داد که راه سلف خود را می‌خواهد بپیماید.

نیروهای آزادی‌خواه و اصلاح‌طلب!

جناح حاکم فعالیت مطبوعات مستقل و منتقد را نمی‌تواند تحمل کند. ماه‌ها است که گردانندگان این جناح، تبلیغات وسیع و سازمان‌یافته‌ای را علیه این دسته از مطبوعات تدارک دیده‌اند. آنها دیروز روزنامه سلام را بستند، امروز روزنامه نشاط را توقیف کردند و قصد دارند فردا دیگر روزنامه‌های طرفدار جنبش دوم خرداد را از صحنه مطبوعات کشور حذف کنند. سران جناح ارتجاعی می‌خواهند قبل از برگزاری انتخابات مجلس شورا، رقبای انتخاباتی خود را از بهره‌گیری از ابزارهای تبلیغاتی محروم کنند و شرایط را برای پیروزی خود فراهم آورند. ما توقیف روزنامه نشاط را محکوم می‌کنیم و جامعه مطبوعاتی، نیروهای آزادی‌خواه و اصلاح‌طلب کشور را فرا می‌خوانیم که در مقابل تهاجم ارتجاع بایستند و نگذارند که نیروهای ارتجاعی به اهداف شوم دست یابند.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

۱۵ شهریور ماه ۱۳۷۸

اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

احکام اعدام را لغو کنید!

حکومت اسلامی بار دیگر تصمیم گرفته است که برای ایجاد رعب در بین مردم، جوانان کشور را دسته دسته به جوخه اعدام بسپارد. بنا به اظهارات رهبرپور رئیس دادگاه‌های انقلاب تهران در مصاحبه با روزنامه جمهوری اسلامی، چهار تن از دستگیرشدگان در جریان تظاهرات خیابانی به اعدام محکوم شده‌اند که حکم دو تن از آنان در شورای عالی قضائی تایید شده و پرونده دو تن دیگر در حال بررسی است. به گفته وی پرونده‌هایی با جرایم سنگین وجود دارد که به مرحله صدور حکم نرسیده است.

اظهارات رهبرپور نشان می‌دهد که ماشین کشتار جمهوری اسلامی به کار افتاده است و گردانندگان حکومتی قصد دارند از جنبش دانشجویی انتقام خود را بگیرند تا دانشجویان بار دیگر صدای حق‌طلبی خود را بلند نکنند. جوانان و دانشجویان کشور در حالی در بیدادگاه‌های رژیم به اعدام محکوم می‌شوند که سازمان‌گران قتل‌های فجیع و کسانی که دستور حمله به کوی دانشگاه را صادر کردند، بدون واهمه از مجازات به جنایات خود ادامه می‌دهند.

مردم ایران و نیروهای آزادیخواه کشور!

باید با تمام قوا علیه حکم اعدام بیدادگاه‌های رژیم به پا خواست و اجازه نداد که حکومت اسلامی بار دیگر حمام خون راه بیاندازد. باید از مجامع بین‌المللی خواست که صدای اعتراض خود را علیه صدور حکم اعدام‌ها بلند کنند.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

۲۱ شهریور ۱۳۷۸ - ۱۲ سپتامبر ۱۹۹۹

با کار تماس بگیرید

شماره فاکس : 0049 - 221 - 331 82 90

شماره تلفن : 0049 - 221 - 932 21 36

<http://www.fadai.org/>

fadai.aksariyat@magnet.at

آدرس کار در اینترنت :

آدرس پست الکترونیکی :

I.G.e.v : آدرس پستی :

Postfach 260268

50515 Köln

Germany

تک فروشی : معادل ۴ مارک آلمان

بهای اشتراک :

اروپا : شش ماه ۵۵ مارک ، یک ساله ۱۰۲ مارک

سایر کشورها : شش ماهه ۶۲ مارک ، یک ساله ۱۱۵ مارک

فرم درخواست اشتراک نشریه کار

اشتراک جدید تمدید اشتراک شماره اشتراک :

مدت اشتراک : شش ماهه یک ساله تاریخ :

Name: نام :

Address: نشانی :

.....
.....
.....
.....

فرم را همراه با بهای اشتراک (حواله بانکی یا تمبر)
به آدرس فوق پست کنید!

I.G.e.v : دارنده حساب :

22 44 20 32 : شماره حساب :

37 05 01 98 : کد بانک :

Stadtsparkasse : نام بانک :

Köln

Germany